

آذربایجان

ناشر افکارفرقه دموکرات آذربایجان

دوره پنجم شماره ۱۳۷ آذر ۱۳۹۶

اعلامیه کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان
به مناسبت هفتاد و دومین سالگرد نهضت 21 آذر

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان، فرارسیدن هفتاد و دومین سالگرد نهضت 21 آذر و تأسیس حکومت ملی آذربایجان را به همه آزادی خواهان ایران و خلق مبارز آذربایجان تبریک می گوید.

هم میهنان گرامی!

هفتاد و دو سال قبل در ساعت 9 و 30 دقیقه روز 21 آذرماه سال 1324، مجلس ملی آذربایجان با حضور 75 نماینده از میان 101 نفر نمایندگان منتخب زنان و مردان همه شهرها و روستاهای آذربایجان رسماً فعالیت خود را در تبریز آغاز نمود حاج میرزا علی شبستری به ریاست مجلس برگزیده شد. سید جعفر پیشه وری به عنوان نخست وزیر حکومت ملی آذربایجان انتخاب گردید. ترکیب کابینه 10 نفره دولت پیشه وری نیز به تصویب نمایندگان مجلس ملی رسید. و بدین ترتیب اولین حکومت خود مختار خلق آذربایجان به وجود آمد.

ادامه درص ۲

رویکرد جهانی جنبش ۲۱ آذر در آذربایجان
دکتر محمد حسین یحیایی

جنبش مردمی ۲۱ آذر در آذربایجان که از سوی دهقانان، کارگران، روشنفکران و تهیدستان جامعه حمایت می شد، در مدت کوتاهی به رهبری « فرقه دمکرات آذربایجان » تغییرات مهمی در بینش، رفتار، گفتار و امید به آینده روشن در جامعه استبداد زده آذربایجان پدید آورد که سال ها احساس غرور و رضایت از آن با همه تبلیغات مسموم در خاطره ها باقی ماند و برخی نیز در چند سال گذشته به صورت یادمانده، خاطره، تاریخ نگاری و بازخوانی تاریخ و پژوهش منتشر شد، هر چند در برخی از آنها غرض ورزی، سیاه نمایی، اتهام زنی و دروغپردازی همراه با خود نمایی، فرصت طلبی و مغلظه کاری همچنان ادامه یافت. در حالیکه بیش از هفت دهه از آن خیزش مردمی برای رسیدن به آزادی، حق تعیین سرنوشت و شکوفایی اقتصادی و اجتماعی می گذرد و می توان نقاط قوت و ضعف آن را به دآوری مردم و تاریخ گذاشت و از فرجام آن سخن گفت. بدون شک جنبش مردمی آذربایجان در ۲۱ آذر با استفاده از تجربه گذشتگان، افقی برای آینده باز کرد که در صورت پیروزی نه تنها سرنوشت سیاسی و اجتماعی ایران و آذربایجان، بلکه منطقه را دگرگون می کرد تا گرفتار استبداد و ارتجاع سیاهی نشود که چندین دهه بر ایران و منطقه حاکم شود و بر روی فلاکت مردم آشیانه رفاه بر خود سازد و سایه شوم استبداد و سیاه ارتجاع را در گستره ایران و منطقه بگستراند.

ادامه درص ۵

رضا شهابی در زندان سکنه کرده است! ۸ص

شب یلدا در آذربایجان ۸ص

"کتابسوزان 26 آذر 1325"

71 سال از واقعه شوم کتابسوزان 26 آذر 1325 می گذرد. روزی که رژیم پهلوی و حامیان خارجی اش اوج ضدیت خود را با سنن و فرهنگ آذربایجان نشان دادند. جشن کتابسوزان چند روز پس از سرکوب خونین دولت ملی آذربایجان در تمام شهرها و روستاهای آذربایجان صورت گرفت. تمام کتاب های درسی و دیگر آثاری که حکومت ملی آذربایجان به زبان ترکی آذری به چاپ رسانده بود، به آتش کشیده شد. خلق آذربایجان این فاجعه را هرگز فراموش نخواهد کرد.

در شهر تبریز، کتابسوزی در چندین نقطه از جمله میدان ساعت و میدان شهرداری تبریز؛ دانشسرای این شهر و در بسیاری از مدارس انجام شد.

ادامه درص ۴

مراسم گرامیداشت هفتاد و دومین سالگرد
تشکیل دولت خود مختار آذربایجان برگزار شد.

شنبه هفدهم آذر ماه 1396 با حضور گروهی از اعضا و هواداران فرقه دمکرات آذربایجان، خبرنگاران و مهمانان، مراسم با شکوهی در شهر باکو پایتخت جمهوری آذربایجان برگزار شد.

ابتدا به پاس گرامیداشت شهدای جنبش 21 آذر و همه شهدای راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی یک دقیقه سکوت اعلام شد.

ادامه درص ۷

جمهوری فدرال خواست همه ملل و اقوام ایران است!

پیشه وری خود از فعالین موثر حزب کمونیست ایران به رهبری حیدرخان عمواغلی و جنبش جنگل به رهبری میرزا کوچک خان در گیلان بود و از رنج و محرومیت دیگر خلق های ایران نیز به خوبی آگاهی داشت. به همین علت، همان طور که در بیانیه 12 شهریور تصریح شده، هدف رهبران فرقه برقراری آنچنان اصلاحات ملی و مترقی و عادلانه ای توسط حکومت خودمختار آذربایجان در چارچوب ایران بود که موفقیت آن الگویی برای بقیه خلقهای ایران گردد.

از همان روز 21 آذر، اصلاحات عمیق عادلانه در همه عرصه های اقتصادی، اجتماعی، ملی و دمکراتیک به سرعت آغاز گردید و مورد استقبال وسیعترین طبقات و افشار خلق آذربایجان، کشاورزان، کارگران، زنان و جوانان قرار گرفت:

استفاده از زبان آذربایجانی در امور آموزشی و اداری در کنار زبان فارسی؛ اصلاحات ارضی و تعدیل مناسبات کشاورزان و ملاکین؛ تصویب 8 ساعت کار؛ ایجاد و آزادی فعالیت سندیکاها؛ شرکت زنان در انتخابات؛ تاسیس رادیو تبریز؛ تاسیس دانشگاه تبریز و صدها مدرسه و کلاس های سوادآموزی در شهرها و روستاها؛ اقدامات عمرانی در شهرها و روستاها؛ راه سازی و تعمیر و آسفالت ریزی راه های موجود؛ و بسیاری اصلاحات عادلانه و دمکراتیک دیگر.

اما چنین اصلاحات عمیق دمکراتیک و عادلانه ای در آذربایجان و انعکاس مثبت اخبار آن در میان سایر خلق های ساکن کشورمان، به هیچ وجه با استقبال حکومت به اصطلاح «متمدن» شاه ایران و دولت های امپریالیستی به اصطلاح «مترقی» آمریکا و انگلستان روبرو نشد. چرا که آزادی شاهان و فنودال ها و روحانیت مرتجع و امپریالیستها به قیمت اسارت و تحقیر کردن خلق ها، و منافع آنها از راه استثمار و استعمار خلق ها تامین می گردد. پس از یکسال مذاکرات حيله گرانه و سپس در ارتباط با تغییر شرایط و تناسب قوای بین المللی در منطقه به زیان حکومت ملی آذربایجان، هجوم وحشیانه مزدوران فنودال های مرتجع و ارتش سرکوبگر شاه با حمایت دولت های آمریکا و انگلستان آغاز شد. هزاران آذربایجانی فجیعانه قتل عام شدند، هزاران نفر اسیر و هزاران خانواده بی سرپرست و بی خانمان گردیدند، خانه ها و کتاب ها آتش زده شدند، و نام این نسل کشی را «نجات» آذربایجان نامیدند. فجایعی که به نام «نجات» آذربایجان صورت گرفت لکه ننگین ابدی است بر صورت و سیرت ارتجاع سلطنتی حاکم و فنودال های آذربایجانی و هر آن کس که هنوز هم نسل کشی آذربایجانی ها را در سال 1325 علی رغم انبوهی اسناد افشاگرانه، «نجات» آذربایجان می نامد.

تشکیل مجلس و حکومت ملی آذربایجان مبتنی بر اصول «بیانیه 12 شهریور» 1324 برای کسب حق خودمختاری قانونی خلق آذربایجان بود، که در مهرماه همان سال به تأیید اولین کنگره فرقه دمکرات آذربایجان، و در آبان ماه 1324 به تصویب 724 نماینده کنگره ملی آذربایجان رسید.

مجلس ملی و حکومت ملی آذربایجان بر مبنای اصول مربوط به انجمنهای ایالتی و ولایتی قانون اساسی ایران که برای اداره امور محلی توسط اهالی ایالتها به تصویب نمایندگان انقلاب مشروطه رسیده بود، تشکیل شدند. مجمع ملی انتخابات آذربایجان در ششم آذرماه نام «انجمنهای ایالتی و ولایتی» را به «مجلس ملی» تغییر داد.

آغاز فعالیت فرقه دمکرات آذربایجان و جنبش انقلابی برای برپایی حکومت خودمختار آذربایجان مصادف بود با شماری از مهمترین واقعههای عینی و ذهنی دوران پس از سال 1320.

دوران سقوط دیکتاتوری رضاخان که هنگام سلطنتش با غضب زمینهای دیگران به بزرگترین مالک زمین در ایران تبدیل شده بود. دوران اوج گیری مبارزات دهقانان با فنودال ها در آذربایجان و سایر نقاط ایران.

دورانی که استفاده از زبان مادری در مکان های آموزشی و اداری جرم بود و آذربایجانیها مورد تحقیر و اهانت نمایندگان دولت و هیات حاکمه بودند.

دورانی که خلق آذربایجان همانند سایر خلق های میهنمان از بدیهی ترین حقوق انسانی محروم گشته و همه روزه با ظلم و جور فنودال ها و خوانین مرتجع محلی و ماموران فاسد دولتی دست به گریبان بودند و جان و مال و ناموسشان بازیچه دست تفنگچی های آنها و ژاندارم های دولتی بود.

دورانی که به دلیل خلع رضاخان دیکتاتور از حاکمیت توسط متفقین و ضعف دولت سلطنتی بعدی، فضای نسبتاً مناسبتری برای فعالیت نیروهای مترقی ایجاد شده بود.

در چنین موقعیتی، پیشه وری و یارانش با در نظر گرفتن شرایط لحظه و تجربه غنی و موثر خلق آذربایجان در مبارزات آزادی خواهانه و عدالت طلبانه انقلاب مشروطه و نهضت شیخ محمد خیابانی، جنبش ملی خودمختاری آذربایجان را آغاز نمودند.

جنبش 21 آذر به آرزوی دیرینه دهقانان بی زمین و تحت ظلم و ستم فنودال ها و اربابان ظالم تحقق بخشید، به تحقیر و اهانت به خلق آذربایجان پایان داد، و راه را برای شکوفایی اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی خلق آذربایجان گشود.

هم میهنان گرامی

انقلاب همه خلقی و شکوهمند 22 بهمن سال 1357 عاقبت به عمر ننگین رژیم ستمشاهی پایان داد. ولی با سیطره تدریجی نیروهایی بر رهبری و حاکمیت برآمده از انقلاب که با پیشرفت انقلاب مخالف بودند، دیگر اهداف مردمی، دمکراتیک و عادلانه انقلاب کنار گذاشته شد. بار دیگر ستم بر ملیت های ساکن ایران و تبعیض های گوناگون از سر گرفته شد.

در این دوران و امروزه هم جمهوری اسلامی و عوامل آشکار و پنهان آن با به راه انداختن جنگ روانی-تبلیغاتی علیه ماهیت و اهداف آزادی خواهانه و عدالت خواهانه حرکت ملی و دمکراتیک جنبش 21 آذر و با هدف خنثی کردن تأثیرات مثبت آن در میان نسلهای بعدی، باز هم به استفاده از سلاح و اتهام "تجزیه طلبی" روی آورده است.

موضوع نهضت ملی 21 آذر رویارویی حکومت آذربایجانی ها با حکومت فارس ها و یا حکومت ملی در مقابل حکومت مرکزی و متلاشی شدن و انهدام ایران نبود و نیست. فقر و فلاکت، ظلم و ستم، عقب ماندگی اقتصادی و اجتماعی، صف بندی طبقاتی و نظایر چنین معضلاتی، فارس و ترک و کرد و بلوچ و عرب و دیگر تفاوت های اتنیکی و مذهبی را نمی شناسد. در همان دوره یکساله حکومت ملی آذربایجان، در یک طرف این صف بندی، زمینداران و خوانین و روحانیون بزرگ و اشراف آذربایجانی به همراه قلم به دستانشان در کنار دربار و حکومت مرکزی علیه خلق میلیونی آذربایجان و حکومت ملی منتخب آنها قرار گرفتند. در میان آذربایجانی ها هم بودند بسیاری از فئودال های بزرگ نظیر ذوالفقاری ها که مزدورانشان همراه با ارتش سلطنتی در قتل عام و سرکوب اهالی آذربایجان شرکت داشتند. در مقابل، بسیاری نیروها و افسران و روشنفکران غیر آذربایجانی از سایر مناطق ایران به کمک نهضت 21 آذر شتافتند.

در دوران پس از انقلاب، علاوه بر اینکه تبعیض ها و ستم ملی مجددا ادامه یافت، تبعیض ها علیه معتقدان به دیگر ادیان و مذاهب مردم ایران نیز اعمال می شود. حتی در موارد عدیده ای «مجازات» بیدادگاههای «اسلامی» هم با توجه به ملیت و مذهب منتقدین تشدید می گردد.

آذربایجانی و فارس و کرد و بلوچ و عرب و شیعه و سنی و زرتشتی و مسیحی فقط هنگام نمایشهای انتخاباتی مورد توجه و خطاب قرار می گیرند. در سایر مواقع همه "امت" اسلام هستند. ولی

همین مخاطبان اگر انتقاد و حرکت جدی مترقیانه ای علیه وضعیت موجود در جمهوری اسلامی انجام دهند، بسته به موضوع، با اتهام تجزیه طلبی و وابستگی به عوامل دشمن سرکوب می شوند.

هم اکنون حتی سیاستهای ارتجاعی و خلق سنیزانه جمهوری اسلامی به خارج از مرزها هم گسترش یافته است. آن چنان که حکومت جمهوری اسلامی هنگام موضوع همه پرسی اقلیم کردستان که فارغ از نتایج مثبت و منفی آن، حق شناخته شده هر خلقی است، آشکارا در کنار رژیمهای تمامیت خواه حاکم بر عراق و ترکیه قرار گرفت.

هم میهنان گرامی

آذربایجانی ها و دیگر خلقهای ایران

باید هشیار بود. امروز هم رژیم حاکم بر کشورمان با اقدامات آشکار و نهان سعی می کند بین خلق ها و پیروان ادیان و مذاهب گوناگون تفرقه بیافکند و آنها را در مقابل هم قرار دهد. رژیم جمهوری اسلامی تلاش می کند محتوای مترقی و دمکراتیک و عدالت خواهانه جنبش های خلق ها و مردم کشورمان را تحریف کرده و چنین حرکتی را صرفا به موضوع مقابله دیگر خلقهای کشورمان با فارسها و مذهب تقلیل دهد.

تلاش رژیم برای جدا کردن مبارزه آذربایجانی ها از مبارزات سایر خلق های ایران و از جمله خلق فارس، همانا تلاش برای دامن زدن و تشدید اختلافات و جلوگیری از همسوئی مبارزات گوناگون مردم برای کسب آزادی، دمکراسی و عدالت اجتماعی است.

منافع خلق آذربایجان و دیگر خلق های ساکن ایران در همسوئی و اتحاد عمل و نیز تلفیق مبارزه هماهنگ علیه تبعیض های ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی و مبارزه سراسری برای استقرار آزادی های دمکراتیک و عدالت اجتماعی و صلح در میهنمان است.

بدون مبارزه برای تلفیق و استقرار حقوق ملی و آزادی های دمکراتیک و عدالت اجتماعی، جنبش های خلقی از محتوای مترقیانه خود تهی شده و مورد سوء استفاده دشمنان مرتجع داخلی و خارجی خلق های ایران قرار می گیرد.

گرامی باد خاطره جان باختگان نهضت 21 آذر و دیگر جان باختگان راه آزادی و عدالت اجتماعی

پیش به سوی اتحاد عمل برای مبارزه در راه استقرار آزادیهای دمکراتیک، حقوق خلقها و عدالت اجتماعی

کمیته مرکزی فرقه دمکرات آذربایجان

آذرماه 1396



آتش افکنده شدند. در شهرهای تبریز، اورمو، زنجان و اردبیل و ... منازل بسیاری از روشنفکران و مبارزان به دلیل مخالفت با تحویل کتابهای ترکی همراه با اعضای خانواده هایشان به آتش کشیده شد. در تبریز همزمان با فاجعه کتابسوزی، دانشگاه تازه تاسیس شده آذربایجان از سوی نیروهای اشغال تخریب گردید.

جشن کتابسوزان پس از ۲۶ آذر نیز به مدت چندین روز ادامه یافت. دولت مرکزی به منظور ریشه کن کردن استفاده از زبان ترکی آذری، چاپخانه هایی که این کتاب ها را چاپ کرده بودند، مهر و موم کرد و آموزش و تحصیل به زبان ترکی آذری در مدارس را ممنوع اعلام نمود. با توزیع کتاب های درسی فارسی، تدریس به زبان فارسی را اجباری کرد. خلق آذربایجان این فاجعه فرهنگی را هرگز فراموش نخواهد کرد.

به گفته شاهدان عینی که برخی از آنها اکنون نیز در قید حیات اند کودکان و دانش آموزان دبستانی را به صف کرده و آنها را مجبور می کردند تا جهت کسب اجازه برای ادامه تحصیل، با تشکیل صفهای متعدد منتهی به تلهای آتش، کتابهای درسی دریافتی خود از مدارس را که به زبان ترکی بودند و مخصوصاً کتاب درسی "آنادیلی" (زبان مادری) را "زنده باد شاه" گویان و با دست خود در آتش اندازند. بسیاری از کودکان به دلیل امتناع از به آتش انداختن کتب درسی خود به شدت مضروب گردیدند و یا آتش در کف دستانشان گذاشته شد.

این کتابسوزی در آنچنان مقیاس وسیعی انجام گرفت که ستونهای غلیظ دود ناشی از سوزاندن کتب و مکتوبات ترکی برای ساعتها از همه جای این شهر بزرگ قابل رویت بود. در همان روز در میدان دانشسرای تبریز تعدادی از جوانان ترک به دار آویخته و بنا بر برخی از ادعاها چند معلم زنده زنده در



رویگرد جهانی جنبش ۲۱ آذر در آذربایجان

جنبش ۲۱ آذر به رهبری فرقه دمکرات آذربایجان، در روزهای نخست روش و رفتار بسیار هوشمندانه ای بکار برد و قطعنامه کنفرانس خود را که با شرکت بیش از ۱۵۰۰ نماینده در تبریز تشکیل شده بود به انجمن وزرای خارجه متفق که در لندن تشکیل شده بود فرستاد و در آن یادآور شد که خطر دیکتاتوری در کشور رو به افزایش، آزادی خواهان مورد پیگرد و روزنامه های مستقل تعطیل می شوند. آنان در ادامه یادآور شدند که ما آذربایجانیان با جلب نظر شورای وزیران به منشور آتلانتیک که آزادی ملت ها را در تعیین سرنوشت خود اعلام کرده است، می خواهیم که ضمن برقراری اصول دمکراسی در سراسر ایران، به مردم آذربایجان آزادی داخلی و خودمختاری ملی داده شود تا بتوانند سرنوشت خود را خود تعیین کنند. (روزنامه آذربایجان، شمارگان ۱۰، یکم مهر ماه ۱۳۲۴) منشور آتلانتیک از سوی وینستون چرچیل نخست وزیر بریتانیا و فرانکلین روزولت رئیس جمهور ایالات متحده در اوت سال ۱۹۴۱ در عرشه کشتی « آگوستا » (اقیانوس اطلس) منتشر شد و بعد ها به تصویب برخی از کشورها مانند اتحاد جماهیر شوروی، فرانسه، هلند، بلژیک، یوگسلاوی، چکسلواکی و... رسید، در ماده ۲ منشور آمده است: تغییرات مرزی کشورها مطابق با خواست مردم آزادانه آن ابراز می شود و در ماده ۳ به خواست مردم در تعیین شیوه حکومت و نوع آن احترام گذاشته حاکمیت و استقلال مردمانی که به زور از آن محروم شده اند به آنان بازگردانده می شود. همین منشور در سال های بعد با شرکت بیشتری از کشورهای جهان در کنفرانس های مختلف وسیع تر و گسترده تر شد تا منشور سازمان ملل متحد شکل گرفت و مصطفی عدل به نمایندگی از ایران آن را در ۲۶ ژوئن سال ۱۹۴۵ تأیید و امضاء کرد. ماده ۲ از فصل یکم منشور سازمان ملل به تساوی حقوق و خود مختاری پرداخته و گفته است که: توسعه دوستانه در بین ملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و خود مختاری ملل و انجام سایر اقدامات مقتضی برای صلح و تحکیم آن. در نتیجه حق تعیین سرنوشت که از انقلاب اکتبر مطرح و ابعاد وسیعتری در سیاست جهانی بخود گرفته بود به صورت متن در منشور ها، کنوانسیون ها و کنفرانس های

جهانی قرار گرفت. بنابراین فرقه دمکرات آذربایجان با روش و ابتکار هوشمندانه ای قادر به انتقال مسئله آذربایجان به نهاد های مردمی و جهانی بود تا خواسته های به حق خود را در معرض قضاوت جهانی قرار دهد و از پشتیبانی آنها در موقع ضرورت بهره مند شود. زیرا اوضاع اقتصادی آذربایجان به مراتب بدتر از مناطق دیگر بود و مردم گرفتار در فقر و فلاکت از حق و حقوق ملی خود نیز محروم بودند. فرقه دمکرات آذربایجان در مدت کوتاهی پایگاه وسیعی در بین توده های مردم پیدا کرد، « پیشه وری » در شناخت اهداف فرقه نوشت: هدف ما مبارزه با استبداد و ارتجاع است بزرگترین وظیفه ی آزادیخواهان مبارزه برای انجمن های ایالتی و ولایتی و گرفتن اختیارات داخلی و فرهنگی است (روزنامه آذربایجان، شماره یک، ۱۴ شهریور ۱۳۲۴) این گفتار در نخستین کنگره فرقه مورد تأیید قرار گرفت و در قطعنامه آن بازتاب یافت. در نتیجه دایره عملکرد و خواسته های گسترده فرقه را محدود به آذربایجان کرد، در حالیکه فرقه و فعالین آذربایجان توانایی و ظرفیت گسترده ای در همه کشور، گستره آن و منطقه داشتند و می توانستند خواسته های خود را در سطح کشور، منطقه و جهان مطرح سازند. هرچند در نشریات و گفتار خود سران فرقه، سخن از دمکراسی، آزادی و استقلال به میان می آوردند، ولی با گذشت زمان و سازماندهی سیاسی در جغرافیای آذربایجان به محدوده قانون اساسی مشروطه بر می گشتند و اجرای اصل انجمن های ایالتی و ولایتی را طلب می کردند. این بینش زمینه ساز یورش ارتجاع تهران با عنوان کردن مسئله داخلی به این جنبش عظیم مردمی می شد. هرچند « پیشه وری » می گفت:

تهمت و ناروا با کاربرد واژه های تحریک کننده (خائن، یاغی، متجاسر، بیگانه پرست، بی وطن، اشرار و ...) باریدن گرفت. هنوز چند ماهی از حکومت ملی در آذربایجان نگذشته بود که در تهران « احمد قوام » دولت را در ۶ بهمن ۱۳۲۴ در دست گرفت و تلگرافی به مسکو فرستاد که سیاست خارجی وی بر اساس موازنه و احترام متقابل استوار است و در ۲۹ بهمن با یک هواپیمای دولت شوروی به مسکو رفت تا خروج نیرو های شوروی و موضوع آذربایجان را با آنان مذاکره کند. مذاکرات در چندین نوبت ادامه یافت و در موضوع آذربایجان به توافق رسیدند که آن موضوع داخلی است که باید به شیوه مسالمت آمیز با روح خیر خواهی نسبت به مردم آذربایجان حل شود.

قوام تصمیم هیئت وزیران را در رابطه با آذربایجان در ۷ ماده منتشر کرد که شامل بخش مهمی از خواسته های حکومت ملی شامل اجرای اصول ۲۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲ و ۹۳ متمم قانون اساسی مشروطه، انتخاب روسای برخی از ادارات از سوی انجمن های ایالتی و ولایتی، تعیین استاندار با نظر انجمن و رسمیت زبان ترکی همراه با زبان فارسی (در ۵ سال نخست مدارس تدریس به زبان آذربایجانی ترکی)، فعالیت آزادانه نهاد های دمکراتیک، افزایش تعداد نمایندگان در مجلس و هزینه مالیات و اعتبارات و... در مذاکره بین « مظفر فیروز » نماینده دولت مرکزی و پیشه وری این مواد به ۱۵ رسید. ولی هیچکدام از مواد اجرایی نشد و قوام با وقت کشی در فکر حمله به آذربایجان بود که در نهایت این نقشه شوم خود را با همکاری ارتجاع و با یاری و مساعدت ارتجاع محلی اجرایی کرد. در نتیجه هزاران انسان پاکبخته که با آرزوی رسیدن به آزادی، حق تعیین سرنوشت پا به میدان مبارزه با ارتجاع گذاشته بودند جان باختند و هزاران نفر دیگر مجبور به ترک یار و دیار خود شدند. این مبارزه بعد از گذشت بیش از هفت دهه همچنان ادامه دارد.

آنچه مسلم است، فرقه دمکرات آذربایجان با اتکا و تکیه بر نیروی مردم در مدت کوتاهی دستاورد های مهم و چشمگیری بدست آورد که گاهی تحسین بر انگیز است ولی ضعف های جدی و مهمی هم داشت که در راس آنها عدم رویکرد به نهاد های جهانی و نیرو های مترقی منطقه ای بود. هنگامی که ارتجاع حاکم برای سرکوب جنبش مردم آذربایجان از نیرو های بیگانه استمداد می طلبید و سلاح های مدرن و امکانات مالی دریافت می کرد، دیگر جنبش مردم آذربایجان یک مسئله داخلی نبود و جنبش باید آن را به نهاد های بین المللی ارجاع می داد و خواستار اجرای ماده ۲ از منشور سازمان ملل متحد می شد...

اصل موضوع احیای مشروطیت، تامین آزادی و ایجاد دمکراسی است و فرقه دمکرات آذربایجان حل مسئله مختاریت را خارج از مبارزه ی عمومی نمی داند و گاهی هم با انتشار نامه های سرگشاده ای به نمایندگان سیاسی کشور های خارجی در تبریز و مقامات سیاسی در تهران به جنایات و فجایع مامورین دولتی و ژاندارمری و خوانین اشاره می کرد

آذربایجان یک بار دیگر در شور و هیجان و فضای دوران مشروطیت و مقاومت تبریز در مقابل استبداد قرار گرفته بود و این حالت و رفتار ارتجاع تهران و همپیمانان خارجی آنها را به شدت نگران می کرد، از آن رو دولت « حکیمی » از یک طرف به سفیر خود « حسین علاء » در واشنگتن و « تقی زاده » در لندن پیام می فرستاد که دست به دامن ایالات متحده و بریتانیا شوند و از سوی دیگر به آذربایجان نیروی نظامی سرکوبگر می فرستاد، که نیرو های نظامی شوروی در نزدیکی های قزوین مانع از حرکت آنان به سوی شهر تبریز شدند و این دخالت بر نگرانی ها افزود. در این میان کنگره ملی هم بکار خود ادامه داد و دکلاراسیون آن را به شاه، مجلس شورای ملی و نمایندگان سیاسی کشور های بریتانیا، ایالات متحده، اتحاد شوروی و فرانسه فرستاد، در نتیجه فعالیت سیاسی خود را به صورت شفاف و روشن در اختیار همگان قرار داد. پیشه وری پیشتر ها در روزنامه « آذیر » شماره ۳۲۹ به تاریخ سوم دیماه ۱۳۲۴ نوشته بود: مجاهدین صدر مشروطیت برای حفظ آزادی از سیاست خارجی استفاده کرده و با مساعدت آنها به دشمن داخلی و خارجی خود فائق آمده و اصول مشروطیت را روی کار آوردند، بنابراین فرقه دمکرات آذربایجان در آن شرایط ویژه نیازمند به حمایت های خارجی در سرتاسر جهان بود و باید با مراجعه به نهاد های بین المللی از قالب تنگ و محدود خود بیرون می آمد...

با پایان کنگره و تشکیل حکومت ملی به رهبری پیشه وری ۱۱ وزیر در کابینه قرار گرفتند و به مجلس ملی معرفی شدند، در این کابینه وزارت امور خارجه قرار نداشت، در حالیکه اولین ماده از برنامه دولت، شناساندن خود مختاری آذربایجان به جهان بود و یکی از ضعف های مهم فرقه، نداشتن وزیر امور خارجه در آن شرایط حساس بود که بعد ها مورد استفاده ارتجاع قرار گرفت. حکومت ملی در مدت کوتاهی چهره آذربایجان را دگرگون کرد، در همه زمینه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هنری با مشارکت توده های مردم شگرفی آفرید و تحسین همگان را بر انگیخت، در نتیجه ارتجاع حاکم بر تهران برای پیشگیری از گسترش آن به نقاط دیگر کشور به نیرنگ و پلیدی دست زد و باران

مراسم گرامیداشت هفتاد و دومین سالگرد.....



دولتی و زمین های خوانینی فراری را بین دهقانان بی زمین تقسیم کرد. در آبادانی روستا ها، جاده سازی و ... یاری رساند. دولت ملی آذربایجان برای کارگران و پیشه وران اقدامات رفاهی بسیاری انجام داد. 8 ساعت کار در روز برای اولین بار در آذربایجان به تصویب مجلس ملی آذربایجان رسید. برای اولین بار زنان آذربایجانی در ایران از حقوق برابر با مردان برخوردار شدند. زنان حق رای دادن و حق انتخاب شدن پیدا کردند و حتی در پلیس و نیروهای نظامی و انتظامی استخدام شدند. در آموزش و پرورش، بیمارستان ها و ادارات فرهنگی و هنری نقش برجسته ای به عهده گرفتند. و ...

در ادامه مراسم تعداد دیگری از شرکت کنندگان سخنانی در رابطه با عملکرد و نقش حزب توده ایران در یاری رساندن به دولت خودمختار آذربایجان، تحریف و دروغ پراکنی دشمنان خلق آذربایجان علیه پیشه وری و دولت او، و ... ایراد کردند.

در ادامه چندین شعر و خاطره گفته شد و درخاتمه مراسم با آواز و طنز هنرمندان فرقه ای به پایان رسید.

سپس یکی از اعضای رهبری (رحیم حسین زاده) فرقه دمکرات آذربایجان، ضمن خیر مقدم به حاضرین اشاره کرد: هفتاد و دو سال پیش فرقه دمکرات آذربایجان به رهبری سید جعفر پیشه وری دولت ملی آذربایجان را تشکیل داد. دولتی که خلق آذربایجان برای تشکیل آن از صدر مشروطیت تا جنبش شیخ محمد خیابانی مبارزه کرده بود. دولت خود مختار آذربایجان که از حمایت گسترده آذربایجانی ها و دیگر خلق های ایران برخوردار بود، موفق شد در مدت کوتاهی چنان اصلاحاتی را در زمینه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و هنری در جامعه پیاده کند که تحسین دشمنانش را نیز بر انگیزته بود.

دکتر عادل یکی دیگر از رهبران فرقه دمکرات آذربایجان در پاسخ به اظهارات یکی از سخنرانان که مبارزات پیشه وری را صنفی ارزیابی نمی کرد، این سخنان را نادرست دانست و اشاره کرد: جنبش 21 آذر، جنبشی عمیقاً اجتماعی بود. دهقانان که آن زمان اکثریت جامعه را تشکیل میدادند. از ظلم و جور خانها و ایادی آنها در عذاب بودند. دولت خود مختار آذربایجان بلافاصله به این بیعدالتی ها پایان داد. زمینهای

رضا شهابی در زندان سکتته کرده است!



سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه تاکید می کند محکومیت حبس رضا شهابی پایان یافته است. علاوه بر این پزشک متخصص تشخیص داده که شهابی از نظر جسمی توان تحمل کیفر ندارد و سکتته وی و نشانه های قابل مشاهده حال وی نیز گویای درستی تشخیص پزشک متخصص برای آزاد کردن شهابی می باشد. بنابراین ادامه زندان ایشان را می توان تصمیم به حذف تدریجی این کارگر زندانی تلقی کرد. رضا شهابی بنا بر آنچه گفته شد باید فوری و بدون قید و شرط آزاد گردد. و سندیکا نهادهای امنیتی و دادستانی تهران و مسئولین زندان را مسئول حفظ جان کارگر زندانی رضا شهابی می داند.

سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه اطلاع رسانی کرده است که رضا شهابی فعال کارگری و زندانی سیاسی در زندان سکتته کرده است. براساس این خبر در ملاقاتی که روز چهارشنبه خانواده با او در زندان داشته اند متوجه شده اند که نیمه چپ صورت رضا افتادگی داشته و زیر چشمش نیز فرو رفتگی خاص داشته است. پزشک زندان به او گفته سکتته خفیف کرده است. همین مسئله باعث نگرانی شدید خانواده او را فراهم کرده است.

پزشک متخصص پیش از این تشخیص داده بود شهابی توان جسمی تحمل زندان ندارد. علاوه بر این رضا مکرر فشار خونس بالا بوده و در زندان خون دماغ شده است. سر دردهای شدید مکرر داشته است. ولی مسولین زندان و دادستانی تهران بی توجهی کرده اند و هر از گاهی با تاخیر های بدون توجیه جلوگیری از تشدید بیماری اش به بیمارستان اعزام نشده است. پزشک متخصص هم توجه نکردند تا اینکه متاسفانه این کارگر زندانی سکتته کرد. حتی پس از سکتته نیز برای معاینه و وی را برای معاینه به بیمارستان اعزام کردند و به تشخیص

شب یلدا در آذربایجان

مراسم یلدا در آذربایجان که به «چپله گنجی» معروف است زمینه‌ای برای گرد آمدن اعضای خانواده فراهم می‌کند، با وجود گذشت سال‌های بسیار و نیز تغییرات فرهنگی و اجتماعی، نوع برگزاری این گونه مراسم نیز تغییر یافته ولی اساس و پایه آنها ثابت مانده است. یلدا در ادبیات کهن ایران زمین و همچنین در اشعار شاعران پارسی گوی و ترکی گوی نیز، نمود زیادی داشته است طوری که اکثر شعرا از جمله نظامی گنجوی، صائب تبریزی و شهریار شیرین سخن طولانی بودن شب یلدا را به استعاره هایی چون زلف یار تشبیه کرده اند. یلدا در ادبیات کهن به معنای روشنی بوده و در ادبیات کهن آذربایجان جایگاه ویژه ای داشته، طوری که تعدادی از شعرا و ادیبان قطعات و ادبیات مختص یلدا خلق کرده اند.

استاد سید محمد حسین شهریار؛ شاعر شیرین سخن آذربایجان شب‌نشینی‌های زمستان و نقل داستان‌ها و روایات را در منظومه پایدار «حیدر بابایه سلام» چنین به تصویر منظوم کشیده است:

قاری‌ننه گنجی ناعیل دینده (آن زمان که مادر بزرگ شیها قصه تعریف می کند) کولک قالخب قاپ باجانی دوینده (و آن هنگام که برف



باخ فلکین گردش و غوغاسینا (نظاره کن گردش و غوغای فلک) و بوران بلند شده و خود را به درو دیوار می کوبد) من قاییدوب بیرده اوشاق اولیدیم (ای کاش دوباره به گذشته باز می گشتم و بچه می شدم) بیر گول آچوب اوندان سورا سولیدیم (و مانند گل می شکفتم و بعد از آن پژمرده می شدم) در میان عامه مردم نیز «بایاتی»ها و اشعار منظوم متنوعی رواج دارد که از جمله آنها می‌توان به این «بایاتی» اشاره کرد: چپله چیخار بابراما بیر آی قالار (وقتی «چله» تمام شد یک ماه به عید باقی می‌ماند. (منظور چله کوچک است) پینتی آرواد قوورمانی قورتارار (زن بدسلیقه گوشت‌های ذخیره شده خود را تمام می‌کند). گندر باخار گودول ده یارماسینا (به «بلغورهای» انبار روی می‌آورد)

ایران اسلام رئسپوبلیکاسیندا کووینتراسییا حاقیندا

سلطانعلی میرزه زاده



مثبت تأثیر اندیله جکدیر. بونلارین اسلام نورمالاری ایله اداره اولونماسی اوچون شریعت قایدالاریندا تجارت-تجارتچی لیگه، استحصال- استحصالاتشیلایغا بسله نیلن دینی مونسبت اساس گؤتورولمه لی و بو باخیمدان اداره اولونمالیدیر.

انله جه ده اقتصادی کیمی حساب اندیلن بو شیرکتلرین اسلام دینینه درین انتیقادی اولان آدمالار طرفیندن اداره اندیلمه ی نظرده توتولور.

کووینتراتیو بؤلمه سینین اولکه ده گؤستريله جک رولو نظره آیلنراق اونون گنیشلندیریلمه سی و انکشافی باره ده اسلام حکومتی طرفیندن بیر سیرا تدبیرلر گؤرولموشدور. مثلا، اولکه ده استهلاک، ساتیش، منزیل- تیکینتی، شهر کرندیت کووینتراتیولری و او جمله دن ال صنعتی، خیردا صنایع و دیگر کووینتراتیولر یارادیلدی.

لاکن کووینتراتیو سیستمی اوزو هله اولکه ده گنیش میقیاس آلا بیلیمیر. چونکی کووینتراتیولرین فعالیتی اکثر حاللاردا فورمال کاراکتر داشیبیر، دولتین انتدیگی یاردیم چوخ واخت هنج اولارلا چاتمیش و بونا گوره ده کووینتراتیو حرکتینین فعال تشکیلاتلاری ایشدن سویموش، کوتله لر ایسه بو تشکیلاتلارا داها اینانیر.

دیگر طرفدن خان- بنی-لرین و مولکدارلارین یئرلرده مقاومتی و اولارین کووینتراتیو موسسه لرینه قارشی فعالیتینین یوکسک حکومت دایره لرینده حمایتی اندیلمه سی کووینتراتیولرین فعالیتینی هنجه اندیرمیشدیر.

اولکه ده یارادیلیمیش اسلام اقتصادی قورولوشونون اساس ترکیب حیصه لریندن حساب اندیلن کووینتراتیو مسئله سیله علاقدار اسلام کووینتراسییا ناظرلینین تأسیس اندیلمه سی حاقیندا قانون لایحه سی حاضیرلانمیش و بو لایحه مجلس طرفیندن تصدیق اندیلیمیشدیر. ناظرلین اساس وظیفه سی «اسلام کووینتراسییا پرنسیپلرینی حاضرلاییب حیاتا کچیرمک، اونو لازیمی ایستقامته یؤندیب گنیشلندیرمک و بوتون اولکه ده کووینتراتیو حرکتینی علاقه لندیرمکدن عبارت ایدی. اسلام کووینتراسییا ناظرلینین یارادیلماسی ایران قانونون ۴۳، ۴۴ و ۴۵- جی ماده لریندن ایره لی گلیر. بورادا ایران اسلام رئسپوبلیکاسینین اساس اقتصادی قورولوشونون اوچ نؤع مولکیت فورماسیندان: دولت بؤلمه سی، کووینتراتیو (تعاونی) و خصوصی بؤلمه دن عبارت اولدوغو قید اولونور و اولارین هر بیرینین احاطه انتدی سی ساحه لر آیدینلشدیریلیر. لاکن قاباقجیل سول دولت و کووینتراتیو بؤلمه لر شامیل اندیلیر. خصوصی بؤلمه بیر نؤع یاردیمچی کاراکتر داشیبیر و همین ایکی بؤلمه نین تکمیللشدیریلمه سینه خدمت اندیر. بنله کی، خصوصی بؤلمه یه اقتصادیاتین او ساحه -لری داخل اندیلیمیشدیر کی، اولار مولکیتین بیرینجی ایکی بؤلمه سینه داخل دنییلدیر. یعنی خصوصی بؤلمه - اکیچیلین، مالدارلیغین صنایعین، تجارتین و خدمت لرین او ساحه سین شامیل اولور کی، اقتصادیاتین دولت و کووینتراتیو بؤلمه لرینین فعالیتینی تکمیللشدیرسین.

کووینتراتیو بؤلمه سی شهر و کندلرده اسلام قایداسی اساسیندا تکمیل اندیلیمیش استحصال و ساتیش موسسه لرینی و بؤلوشدورولموش شیرکتلرینی احاطه اندیر. بنله کی، اسلام قایداسی اساسیندا تشکیل اندیلیمیش کووینتراتیو شیرکتلری کند و شهر یئرلرینده استحصال و تجارت ساحه سینده عمومی اهالی خیرینه فعالیت ساحه لرین نظرده توتولور. بو شیرکتلرین فعالیتی اساسیندا گویا اسلام نورمالارینا ضد اولان واسطه چیلیک، سلمچیلیک کیمی حاللار آرادان گنده جک، اولارین واسطه سیله بازاردا قیمت لرین بنش نؤع ثابت ساخلانماسینا

لاکن چوخ کنجه دن بو کوپرتیولرین ده فعالیتی دایاندیریلدی. دئییلنلر بئله بیر فکر سؤیله-مه-یه اساس وئریر کی، ایلک باخیشدا گنیش خلق کوتله لرینین منافعینه اوغون اقتصادی ثمره وئره بیله چک کوپرتاتیو سیستمی روحانیلرین زورلا تحمیل انتدیگی اسلامی قایدالار اوزوندن و عمومیتله وارلی طبقه لرین اراده سینین ایفاده سی اولمادیغینا گؤره اونون فعالیتی گنتدیگجه هنجه ائندیریلیر.

قاینالار:

۱. «کیهان» قزنتی، ۱۰، ۱۰، ۱۹۸۱- جی ایل
۲. «کیهان» قزنتی، ۲۸، ۱۱، ۱۹۷۹- جو ایل
۳. اندیشاها در را- یی بخری مسائل- ای انقلاب- ای ایران تهران ۱۹۸۳- جو ایل، سه. ۷۳، ۷۴.

مولکدار دایره لرینین فکرینجه، بو تشکیلاتلارین فعالیتینی اشتراک ائتمک اوچون هنجده مستقیم اولاراق اونلارین عضو اولماغا احتیاج یوخدور، ساده جه اونلارین فعالیتینه پول کؤچورمک یا دا سهملرینی آلماق یولو ایله کوپرتاتیولرده اشتراک ائتمک اولار. گؤرونویو کیمی، مولکدارلارین مقصدی کوپرتاتیولرین فعالیتینه نفوذ اندیب، اونلارین ماهیتینی اؤز منافعینه اوغون صورتده ده-بیشدیرمک و اؤزلریندن آسیلی وضعیتیه سالمادیر. حادثه لرین گندیشاتی گؤستریر کی، اونلار گنتدیگجه بونا نایل اولورلار. بئله کی، انقلابدان سونراکی ایلک آیلاردا شهرلرده مسجدلره وئرین مادی وسایطین حسابینا یارادیلان اسلام استهلاک کوپرتاتیولرینده شهرین یوخسول طبقه لری دولت قیمتتری ایله گونده لیک طله بات ماللاری آلیردیلار.

روز جهانی مهاجران مهاجران چگونه به اقتصاد اروپا کمک می کنند؟



حاضر ۱،۵ میلیون نفر در حال مهاجرت از کشور هستند. به گفته مسعود خوانساری عمده این شهروندان افراد نخبه و تحصیلکرده کشورند: رئیس اتاق بازرگانی تهران: ۱،۵ میلیون نفر در حال مهاجرت - اوضاع فساد وخیمتر شده

به بهانه روز جهانی مهاجرت اما مقاله‌ای که پیش از این در زمانه منتشر شده است، باز نشر می‌شود: بر اساس تازه‌ترین گزارش‌ها و تحقیقات، پناهجویانی که سال گذشته وارد اروپا شده‌اند می‌توانند تا دو برابر

۱۸ دسامبر/ ۲۷ آذر ماه به عنوان روز جهانی مهاجران نامگذاری شده است. آمارهای سازمان ثبت احوال ایران نشان می‌دهد رقم بزرگی از ایرانیان بیرون از کشور سکونت دارند. بر اساس این آمارها نزدیک به چهار تا پنج میلیون ایرانی زندگی خود را در کشورهای دیگر ساخته‌اند.

جواد قوام‌شهیدی، دبیرکل شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور در سال ۹۵ به روزنامه فرهیختگان گفته بود: «معادل هفت درصد از جمعیت کشور که چیزی حدود پنج تا شش میلیون نفر است، در خارج کشور زندگی می‌کنند.»

بر اساس آمارهای سازمان ملل متحد تنها در سال ۲۰۱۴ میلادی بیش از ۵۲۰ هزار ایرانی کشورشان را برای زندگی در جایی دیگر ترک کرده‌اند.

۲۰ آذر ماه ۹۶ اما رئیس اتاق بازرگانی تهران با اعلام وخیمتر شدن وضعیت فساد در کشور گفت در حال

جامعه مبنی بر تعطیلی کمپ‌های برون‌مرزی را نادیده می‌گیرند.

فیلیپ لگرین، مشاور اقتصادی پیشین کمیسیون اروپا معتقد است حضور پناهنده‌ها شغل‌های بیشتری ایجاد می‌کند، تقاضای خدمات و محصولات را افزایش می‌دهد و فقدان نیروی کار در اروپا را برطرف می‌کند. به نظر لگرین، این امر به دولت کمک می‌کند تا سرمایه‌گذاری کمتری در بیمه‌های بیکاری و خدمات عمومی انجام دهد. او می‌گوید بسیار بعید است که پناهنده‌ها موجب کاهش حقوق و افزایش بیکاری کارگران بومی شوند. بر اساس محاسبات انجام شده، جذب پناهنده‌ها تا ۶۹ میلیارد یورو بدهی عمومی را بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ افزایش می‌دهد، اما به موازات آن و طی همین مدت، فعالیت اقتصادی همین پناهنده‌ها موجب رشد تولید ناخالص داخلی تا ۱۲۶ میلیارد یورو می‌شود: نسبتی حدود دو برابر هزینه‌های انجام شده.

بنیاد تنت (Tent) سازمانی غیردولتی که هدف آن کمک به انسان‌های در بدمر (displaced) و ایجاد شبکه‌های اقتصادی است، در گزارش اخیر خود اعلام می‌کند: «یک یورو سرمایه‌گذاری در پذیرش پناهنده‌ها به دو یورو سود در عرض ۵ سال می‌انجامد.»

سوء برداشت‌های رایج

بسیاری معتقدند که روشن‌گری‌های لگرین در مورد آمار و پیش‌بینی‌های مرتبط با پناهنده‌ها موجب افزایش آگاهی عمومی نسبت به این مسئله می‌شود. مهمترین سوء برداشت افکار عمومی این است که پناهنده‌ها مانع‌اند و این نگاه حتی بین آنهایی که معتقدند باید اجازه ورود به پناهنده‌ها داده شود نیز متداول است. آنها ورود پناهنده‌ها به کشورهای غربی را هزینه‌آفرین می‌دانند اما به خاطر درستی اخلاقی به آن تن می‌دهند. در حالی که جذب پناهنده‌ها فشار کوتاه‌مدتی بر هزینه‌های عمومی وارد می‌کند، با این حال در همان کوتاه مدت هم تقاضای

هزینه‌های را که برایشان شده ظرف پنج سال به اقتصاد اروپا برگردانند.

آمارها نشان می‌دهند بی‌مکانی اجباری در سال ۲۰۱۵ بر زندگی ۶۵ میلیون نفر تاثیر گذاشته است؛ میلیون‌ها نفری که اغلبشان در کشورهای درحال توسعه زندگی می‌کردند. این آمار شامل پناهجویان، جنگ‌زدگان، مهاجران و تمامی افرادی است که به هر دلیل درون مرزهای کشور خود در به در شده و مجبور به جابه‌جایی شده‌اند.

جنگ و نابرابری اقتصادی حاصل از اقتصاد جهانی، روزانه بر شمار پناهجویانی که برای زندگی بهتر، سکونت‌گاه خود را ترک می‌کنند می‌افزاید. واکنش دولت‌ها نیز متفاوت است: از سرکوب در استرالیا گرفته تا معاملات اقتصادی در اتحادیه اروپا یا کمک‌های خیریه. افکار عمومی نیز غالباً تحت تاثیر برداشت‌های رایج قرار می‌گیرند که گاهی کمتر بر حقایق تکیه دارند: مثلاً اینکه پناهنده‌ها برای کشور میزبان هزینه‌آفرین هستند و چرا باید در شرایط بد اقتصادی درها را باز کرد؟ فریب‌کاری‌هایی از این دست و بی‌خبری افکار عمومی از جمله توانست چنین شعارهایی را در صدر مطالبات کمپین خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا قرار دهد.

روزنامه گاردین از جمله گزارشی مبتنی بر حقایق در این زمینه داده که تندروها ترجیح می‌دهند آن را نادیده بگیرند. این گزارش می‌گوید اگر به انسانیت هم فکر نمی‌کنید، به حساب و کتاب اقتصادی فکر کنید که نشان می‌دهد پذیرش پناهنده به نفع اروپاست. این قاعده احتمالاً برای استرالیا نیز صادق است که غیرانسانی‌ترین شرایط را بین کشورهای توسعه‌یافته برای پناهجویان ایجاد کرده است، موضوعی که کم و بیش این روزها در محور بحث‌های انتخاباتی شنیده می‌شود و هر دو حزب بزرگ این کشور (ائتلاف ملی-لیبرال و کارگر) نظر اکثریت

مشخصاً ساماندهی ۸۰۰ هزار نفر پناهنده در آمریکا بعد از جنگ ویتنام، که یکی از بزرگترین‌ها در تاریخ بوده‌است. هرچند پناهنده‌های ویتنامی در ابتدا بر هزینه‌های دولت افزودند اما بعد از گذشت چند دهه آمار نشان می‌دهد که ویتنامی-آمریکایی‌ها درآمد و نرخ اشتغال بهتری از متولدین آمریکا دارند.

با این حال لگرن هشدار می‌دهد که «تاثیر مثبت اقتصادی حضور پناهنده‌ها در کشورهای میزبان اگر با سیاست‌های جذب سریع آنها در محیط کار همراه نباشد، می‌تواند متوقف شود.» او معتقد است پناهنده‌های مادامی که درخواست‌شان در حال بررسی است، باید اجازه کار داشته باشند؛ باید هرچه سریع‌تر کلاس‌های زبان بروند و در جاهایی ساکن شوند که در اطرافشان موقعیت کاری فراوان است، نه محله‌ها و خانه‌های ارزان قیمت. به نظر او مقامات اداری کشورهای اروپایی باید فرآیند دریافت مدارک و گواهینامه‌های آموزشی را تسریع کنند. او به تأخیر دولت سوئد در خصوص ارزشیابی مدارک داروسازهای سوری اشاره می‌کند که موجب کاهش نیروی کار در این بخش از اقتصاد کشور شد.

گاردین در این گزارش می‌نویسد دسترسی سریع به بازار کار اتکای پناهنده‌ها به کمک‌های دولتی را کم می‌کند، باعث حضور و فعالیت‌ها آنها در عرصه اقتصاد از طریق کار و پرداخت مالیات می‌شود، به آنها کمک می‌کند تا در کشور میزبان سریع‌تر جا بیفتند و این همه احتمال حاشیه‌نشینی آنها در بازار کار و جامعه را کاهش می‌دهد.

تقاضای پایین محصولات و خدمات است. در بلند مدت نیز وجود پناهجویان، کمکی برای درآمدزایی از طریق دریافت مالیات و ایجاد شغل خواهد بود.

گاردین به نقل از لگرن می‌نویسد: «این گونه نیست که تعداد محدودی کار در بازار وجود داشته باشد، بلکه کارها در جامعه پراکنده شده‌اند. پناهنده‌هایی که سر کار می‌روند خودشان همان شغل‌ها را ایجاد کرده‌اند. وقتی آنها دستمزد خودشان را خرج می‌کنند، عملاً موجب می‌شوند تقاضا در عرصه محصولات و خدمات مورد نیازشان بالا برود. به همین ترتیب آنها برای مجموعه دیگر و بیشتری از افراد کارآفرینی می‌کنند. مثلاً پناهنده‌هایی که کارگر ساختمانی می‌شوند برای سرپرستان کارگران ساختمانی یا بازار مسکن شغل ایجاد می‌کنند.»

لگرن همچنین به نقش مهم پناهنده‌ها بر چالش قریب‌الوقوع جمعیت‌شناختی اروپا اشاره می‌کند: «تغییرات جمعیت‌شناختی در آلمان کاملاً مشهود است. بدون پناهنده‌ها تا سال ۲۰۳۰ جمعیت آماده به کار این کشور به یک ششم امروز یعنی ۸/۷ میلیون نفر می‌رسد، در حالی که جمعیت سالمندان بیش از ۱/۴ درصد افزایش خواهد یافت و به ۴/۷ میلیون نفر می‌رسد.» او بر همین اساس پیشنهاد می‌کند که پذیرش پناهنده‌های جوان می‌تواند به منابع پرداختی‌های روزافزون جمعیت سالمند این کشور کمک کند.

لگرن برای پشتیبانی از استدلال خود، به مثال‌های سازماندهی بزرگ پناهنده‌ها در تاریخ اشاره می‌کند.